

متن پرسش

آقا چیکار کنیم که دلمون یک رو بشه. چه راهی رو طی کنیم که هرچی میریم فقط از دل پاک و راستی باشه، ذکر و یاد خداوند به معنای نماز خواندن یا با تسبیح صلوات فرستادن کجاشه، آخه برا همین هم که ذکری از یاد خداوند در دل ما باشه راهی رو باید طی کرد. ذکر خداوند در چه زمانه ای و تاریخی میشه صبح و شب نداشتن برا خدا. می‌شنویم که شهید مخلصانه برای خدا هستش و کار میکنه؛ مثلا فتح خرمشهر که حاج احمد اون کار نشدنی و به این عظمت رو برای رضای خدا انجام میده و فتح میشه رو اگه می‌خواست که همین طوری با قاعده جنگ و منیت خودش به میدون بره هرگز این اتفاق رخ نمی‌داد. حتما یک ذکری به یاد خداوند می‌خواست که هیچ وقت از اون جدا نشی و جلو بری تا آخر. اما اگه من باشم لحظاتی متصلم و اون هم یا نماز دارم میخونم یا دارم توی روضه ی اباعدالله اشک می‌ریزم. اون شهید احمد متوسلیان که می‌بینیمش توی عملیات های مختلف، چجوری تونسته بوده خالصانه کارش رو جلو بیره بارها و بارها. اون ها به لطف امام بزرگ مرتبه و بلند والا توانسه بودند که در این حد بر حیطه من خودشون و منیت شون حکمرانی کنند. عمل به زنده نگه داشتن ذکر و یاد خداوند در قلب.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی آرام آرام به خود تذکر بدهیم که این خداوند است که در همه صحنه‌ها خدایی می‌کند و ما اگر ذیل دستورات او در همه امور حرکت کنیم؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** در میدانی که خدا حاضر است، حاضر می‌شویم و آن می‌شود که باید بشود، یعنی «در بلا هم می‌چشم الطاف او / مات اویم مات اویم مات او». موفق باشید